

تحلیل جایگاه حدیثی ابوهریره در گذر تاریخ

موسی موسی زاده

دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

فیض اله اکبری دستک

استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

تهمینه پارسایی

استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج کرج ایران

محمدحسین توانایی سره دینی

استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ (شایا) ۲۰۰۸-۲۰۲۱ دوره ۱۹ شماره ۷۴ پاییز ۱۴۰۳ صفحه ۳۰۱-۳۲۵

تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۸/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۳

چکیده

به گواه تاریخ، پدیده وضع و بساختن احادیث کذب را باید از بارزترین آسیب های وارده برپیکره حدیث شناختی دانست که در آن افرادی با قصد مغرضانه اقدام نمودند. از آنجا که علم تاریخ از حدیث نشأت گرفته است یعنی از دل حدیث برخاسته است. از این جهت تاریخ و سیره پیامبر و ائمه اطهار مورد توجه بزرگان بوده است تا حقایق تاریخی را از متون حدیثی نقل کنند. در گذر تاریخ تعدادی از حدیث پژوهان از جمله شرف الدین عاملی و محمود ابوریه از حدیث پژوهان نو اندیشان معاصر هستند که هر یک با تألیف کتاب هایی مانند «ابوهریره و احادیث ساختگی» و «شیخ المضیره یا بازرگان حدیث و الاضواء سنه المحدثه او دفاع عن الحديث» با نقد سندی و متنی در اثنای تاریخ از روایات تاریخ از روایات ابوهریره پرداخته و با استفاده از معیارهایی از جمله تطبیق روایات با قرآن کریم و سنت مقطوعه، عدم مخالفت روایات با عقل و آنچه علم آن را اثبات نموده و عدم تطبیق صحیح روایات از نظر تاریخی بر جعلی بود آنها تأکید شده. و به اذعان دانشمند علم رجال و حدیث در طول تاریخ، بیش از همه صحابه پیامبر اکرم (ص) خبر نقل نموده و احادیث منقول از وی بالغ ۵۳۰۰ حدیث می باشد، مارا برآن داشت که در این نوشتار ادوار تاریخی، حدیث شناختی ابوهریره را مورد نقد قرار داده و براساس شواهد تاریخی از زمان حیات پیامبرگرمی (ص) تا زمان فوت ابوهریره حدیث شناختی وی از جهت جعل حدیث تا به امروز مورد نقد قرار گیرد، که با روش تحلیلی و توصیفی تهیه شده است.

کلید واژه: تاریخ، ابوهریره، احادیث موضوعه، نقد، معیار شناخت

تاریخ گذر عبرت ها و پندهاست تا انسان به مرتبه کمال الهی برسد ، چنین تلاشی را پیامبران به ویژه رسول خدا(ص) خاتم پیامبران و بعد از ایشان ائمه اطهار(ع) در طول تاریخ داشته اند تا انسان ها در مسیر صحیح قرار گیرند. باید در چنین شرایطی به کتاب خدا و عترت پیامبر(ص) که ثقل اکبر و اصغر هستند تمسک کرد تا انسان از مسیر الهی منحرف نشود.

دانش حدیث یکی از مهم ترین مسائل دینی در میان عالمان حدیث پژوه است ، چگونگی بهره برداری از این دانش و نوع نگاه به آن از اهمیت فوق العاده ای برخوردار می باشد و بیشتر مسلمانان در حجیت آن اختلافی نداشته و ندارند اما بی گمان نشانه هایی از تردید در حجیت سند یا انکار آن در طول تاریخ اسلام دیده می شود. اغلب مورخان یا محدثان برحسب ذوق و سلیقه خود یا آگاهی به درخواست حاکمان وقت یا نحت تاثیر آنان یا به سبب فضای فرهنگی موجود در آن عصر و مصر ، تعصبات مذهبی و امیال نفسانی خود به ثبت نصوص تاریخی به گونه ای نادرست پرداخته اند. (آینه پژوهشی ص ۷۸) بنابر این این گونه نوشته هایی که معیار های علمی در آن رعایت نشده ، در خور نقد و بررسی است تا بتوان نقاط ضعف و قوت نصوص را شناسایی کرد و صحیح آن را در اختیار حقیقت جوین حق قرار داد با بهره گیری مطلوب از تجربیات محققان نقاد و آگاه به شرط سیاسی ، اجتماعی فرهنگی و جبرهای موجود جامعه آن عصر را می توان به آیندگان نشان داد. در حقیقت محقق متفکر، آینده نگر ، نقاد در پی کشف واقعیات است . می توان گفت که او مانند یک نظاره گری است که بر بلندای ایستاده و حرکت کاروان هارا می بیند بدون آنکه علاقه ای به کاروانیان داشته باشد ، به بررسی شیوه و روش آنان پرداخته و تجزیه و تحلیل آن می پردازد تا سره از ناسره را جدا نماید.

قرآن تاریخ ساز و نقش آفرین است و در بسیاری از متون مختلف مانند تفسیر علم رجال و فقه علوم دیگر-گزارش های تاریخی حدیثی بسیاری وجود دارد، گزارش های تاریخی به تنهایی راهگشا نمی تواند باشد، زیرا دست تحریف در آن را دارد. (آینه پژوهش ص ۸۸) از این روی قرآن کریم از معیارهای اساسی در تشخیص گزارش های صحیح از سقیم می تواند باشد و با عرضه احادیث بر قرآن کریم صحت یا سقیم آن را به دست آورد. در بعضی گزارش های تاریخی می توان با کمک

گرفتن از آیات و شأن نزول آنها موضوعی را اثبات یا رد کرد و نیز از جمله راه های سنجش و صحت پ سقم اخبار تاریخی ، عرضه آنها بر مبانی کلامی و اعتقادی است که در این نوشتار مقاله به دو قسمت دوران حیات ابوهریره و بعد از آن مورد بررسی قرار گرفته.

تاریخ پلی است از گذشته به آینده که دلان های فراوانی از جمله گذر حدیث از دلان های تاریخ است که بعد از قرآن کریم اصلی ترین منبع شناخت اسلام و آموزه های ناب اسلامی نقش آفرینی نموده است. این در حالی است که احادیث و سنت نبوی در طول حیات خود با چالش ها و با فراز و فرود هایی قابل تأمل مواجه بوده که بعضاً از نواحی مختلف باعث پدید آمدن و صدمات و لطمات سنگین و جبران ناپذیر بر پیکره آن شده است چه آنکه مسئله نهی از کتابت حدیث و مبارزه با راویان و کاتبان حدیث از خلفا مسلمین پس رحلت رسول اکرم (ص) زمینه های از بین رفتن میراث نبوی حلقهات اتصال راویان و سپس ظهور و نکبت بار پدیده وضع و جعل حدیث و مالاً سوء استفاده عده ای ، دین به دنیا فرپشان و نهایتاً ایجاد انحرافات در معارف اصیل اسبامی فراهم آوردند از سوی دانشمندان متعهد و محدثین ژرف اندیش و با بصیرت مشغول گردیده مع الوصف آسیب ها تهدیدها چالش هایی چند همچنان در مسیر فهم و تبیین دقیق احادیث و نیز پالایش و تهذیب آن برای جوامع وجود دارد که نیازمند همگرایی ها و هم افزایی های همه ی عالمان دلسوز دین باور فریقین در این مسیر برای نجات همه جانبه میراث مکتوب مسلمین از خذافات و اسرائیلیات و همچنین تمرینات و تدریس وارده بر پیکر استوار سیره و سنت نبوی (ص) می باشد.

در همین راستا با این نگرش اصلاحی شماری از حدیث پژوهان فریقین به پا خواسته و تلاش در جهت پالایش و تهذیب جوامع حدیثی از تحریفات دسیسه های ره یافته به منابع اسلامی با رویکرد تجدید نظر در احادیث منابع روایی را وجهه همت خود قرار دهند در همین راستا نوشتار حاضر درباره احادیث ابوهریره از یک سو سعی در افشای خرافه ها و مجهولات ره یافته در طول تاریخ که در سنت اسلامی دارد و سوی دیگر بازشناسی و بیان چهره واقعی برخی از راویان حدیث از جمله ابوهریره را وجهه همت خویش قرار می دهد از این رو این مقاله با محوریت قرآن ، سنت قطعه نبوی همچنین مبانی عقلی و شرعی قرار می دهد و شخصیت حقیقی از ابوهریره را بازودن مناقب و فضائل مجهول که هواداران ابوهریره برای زینت او و جعل شخصیت دروغین وی ساختن آشکار می سازد. در این اثر پس از معرفی ابوهریره در گذر تاریخ به بررسی و پالایش احادیث

روایت شده از ابوهریره پرداخته و با معیار و ملاک ها به نقد و رد احادیث مجعوا ابوهریره اقدام می نماییم این اقدام در بررسی و نقد احادیث خود باعث بروز و ظهور روشنگری و نیز امید هایی خواهد بود در این زمینه اساساً وی از جمله واعظان و جاعلان حدیثی می باشد که از رهگذر این وضع و جعل و نیز تقرب به خلفاء برای خود شخصیت و منزلتی فراهم آورده است چرا که وی با حمایت های فراوان برخی از حاکمان و نزدیکانشان در راستای تأمین منافع و اهداف آنان به وضع و جعل حدیث پرداخته و بیشترین حجم احادیث مجعوا درباره پیغمبر اکرم (ص) از وی نقد شده است ما با نگرش انتقادی به موضوع حدیث و سنت و تاریخ و سایر مصادر آن می پردازیم و تمرکز ما در این شرایط بر محور جریان تاریخ حدیث می باشد و تحقیق حاضر می کوشد که نظر گاه های تاریخی را در بررسی احادیث ابوهریره مورد واکاوی قرار دهد و از رهگذر آن دستاورد ها و نتایج این تحقیق را در اختیار کارشناسان فن قرار دهد.

در همین زمینه در مطالعه کنونی می خواهیم به تبیین سیر تاریخی موضوعات نگاری و نقد احادیث با تحلیل تاریخی پردازیم و روش ها و معیارهایی حدیث شناسی در نقد و ارزیابی احادیث موضوعه را بر محور جایگاه حدیثی ابوهریره بازایم

شناساندن ابوهریره

از مشکلات اساسی در تألیف تاریخ حدیث در صدر اسلام شناخت جاعلان منحرف است که با انگیزه های مختلف از جمله خواست حاکمان ، تشویق و ترغیب آنان ، غرض ورزی و دشمنی با اهل بیت (ع) دست به نگارش برده اند و با کمک زمامداران و قن به اشاعه جعلیان راویان پرداخته شد به طوری که بعدها از مسلمات تاریخی گشت نمونه های آن در تاریخ زیاد است آنانی که از عطایا به راویان به فضیلت سازی برای خود و تخریب دیگران روی آوردند از جمله کسانی که در جعل و تحریف روایات ید طولای داشت ابوهریره است.

از طرفی چون روایات پیوند مستقیمی با حیات دینی و عقلی ما دارد و از طرفی دامنه این احادیث به اصول و فروع دین کشیده شده است تنها به منشأ آن می پردازیم و به این جهت دست به جمع آوری این مقاله بردم و چنان به بحث و تحقیق پرداخته ام تا حق و حقیقت آشکار شود. روایات ابوهریره با ذوق فنی و مقیاس علمی سازگار نیست و باید کتاب های صحاح و مسانید جمهور از احادیث این مرد پاکسازی شود . گرچه صحابی بودن او یک فضیلت است ولی به معنای

دوری از گناه و لغزش نیست زیرا با قواعد علمی و عقلی که قول صحابی حجت و احترام دارد با کسی که به رسول خدا (ص) دروغ می بندد منافات دارد و با قاطعیت روایات چنین فردی که به پیامبر (ص) اهانت می کند رد می شود.

می توان روایات ابوهریره را به چندین دسته تقسیم کرد، دسته ای از روایات سازگاری با عقل ندارد؛ دسته از روایات با صورت و معنا در عقیده سازگار نیست؛ دسته از روایات با روایات دیگر متناقض اند؛ دسته از روایات با قواعد علمی و گزاره های تاریخی نمی سازند؛ دسته تب از روایات برای تقرب به بنی امیه یا مردم عامه وضع شده است. (ر.ک: ابوهریره، ۵-۱۶)

مخالفت حدیث با تاریخ حدیث (درسنامه وضع حدیث- ناصر رفیعی ص ۲۴۱)

یکی از معیارهای تشخیص احادیث موضوع که اغلب دانشمندان حدیث (ر.ک کمحمد تقی تستری، الاخبار الدخیله ص ۱۱، ادلی، منهج نقد المتن، ص ۳۲۱؛ ملاعلی قاری، الموضوع فی المعرفة الحدیث الموضوع ص ۷۷؛ جعفر سبحانی، الحدیث النبوی بین الروایة و الدراية ص ۶۵) از آن بحث کرده اند، عرضه حدیث بر تاریخ صحیح است، البته تاریخ مستند وجود نداشته و تاریخ خود نیز دچار تحریف فراوان شده است. قبل از بحث درباره محور بودن تاریخ در عرصه احادیث، اشاره ای گذرا به پیشینه تاریخ نگاری می کنیم.

واژه تاریخ از زبان یونانی گرفته شده و هردوت پدر تاریخ شناخته شده است وی تاریخ را چنین تعریف می کند: «مطالعه و بررسی روزگاران گذشته». ابن خلدون مورخ بزرگ، تاریخ را دانشی نشأت از حکمت و بیانگر سرگذشت ملتها، سیرت پیامبران و سیاست شاهان می داند. هنری لوکاس، تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۷) مرحوم شهید مطهری تاریخ تاریخ را یکی از منابع معرفت انسانی دانسته و علم تاریخ را به دو بخش تاریخ نقلی و تاریخ علمی تقسیم می کند. بخش نخست، علم وقایع و حوادث سپری شده و آگاهی از اوضاع و احوال گذشتگان می باشد و بخش دوم، مطالعه بررسی و تحلیل وقایع گذشته استنباط قواعد و سنت های حاکم بر زندگی پیشینیان است (جامع و تاریخ ص ۳۵۱). عده ای به تاریخ بدیین و بی اعتماد بوده و انتخاب آن را برای نورانیت مسیر ناهموار زندگی انتخابی پست می دانند اینان دخالت جعل، غرض ورزی، منافع شخصی، تعصب و دخالت حاکمان را در تدوین تاریخ منشأ این بدبینی تلقی می کنند. با مراجعه به قرآن، روایت و سیره ائمه معصوم (ع) در بهره برداری صحیح از تاریخ چنین نگاه بدبینانه ای واقع بینانه به نظر نمی رسد. (ر.ک: نهج البلاغه خطبه ۳۱) تاریخ صحیح و قوی که اغلب مورخان نقل کرده اند

و تردید درباره آن بسیار ضعیف می باشد، می تواند معیاری برای بررسی روایاتی قرار گیرد که در تعارض با آن تاریخ است.

مقصود در تاریخ اینجا تاریخ اسلام است که به صورت خاص از بعثت نبی مکرم اسلام و به صورت عام و زمان تولد آن حضرت آغاز می شود. قابل ذکر است که بخشی از وقایع تاریخ همان سنت کرداری است. سنت، اعم از گفتار و کردار معصومان (ع) است. سیره معصومان (ع) از عناصر اصلی تشکیل دهنده تاریخی می باشد همه احکامی که در مورد سنت صادر شده به شکلی درباره تاریخ نیز جاری است علت اینکه این معیار جداگانه ذکر شده است نگاه فراگیر به تاریخ است بخشی از حوادث تاریخی نقل و وقایعی است که مستقیماً به سیره معصوم (ع) ارتباط ندارد. برای مثال گزارش نبرد های پیامبر (ص) برخورد با نامه های حضرت درگیری هایی که ایشان در آن حضور نداشته و ده ها مورد دیگر. اقتضاء دارد تاریخ جدایی از سنت کرداری مورد بررسی قرار گیرد. ده ها کتاب تاریخی در قالب سیره نگاری مانند سیره جلی، تاریخ نویسی عمومی تقویمی مانند تاریخ طبری و... حاجی خلیفه گوید در تحقیقی که انجام دادم تا اول قرن یازدهم به بیش از هزار و سیصد عنوان کتاب تاریخی دست یافتم که برخی از عنوان های آن بیش از هشتاد مجلد است (کشف الظنون علی اسامی کتوب فنون، ج ۱ ص ۲۸).

با مراجعه به تاریخ در جنبه های گوناگون از جمله سال وفات محدثان، کذب برخی از احادیث آشکار می شود به این ترتیب تاریخ صحیح که صحت آن به تواتر یا به قرائن متعدد به اثبات رسیده باشد می تواند معیار ارزیابی احادیث مشکوک قرار گیرد.

معیار تاریخ از معیار های مهم و قابل اعتماد در نقد حدیث است حتی قرآن کریم در رد ادعای کاذب یهود و نصاری که هر یک ابراهیم (ع) را از خود دانسته و او را یهودی و نصرانی می خواندند می فرماید: «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمُحَاجُونَ فِي إِبْرَاهِيمَ وَمَا أُنْزِلَتِ التَّوْرَةُ وَالْإِنْجِيلُ إِلَّا مِنْ بَعْدِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (آل عمران، ۶۵) در این آیه با استناد به تأخر زمان نزول تورات و انجیل از زمان حضرت ابراهیم (ع) ادعای کذب یهود و نصاری رد شده است.

نمونه ای از روایات را می آوریم که با گزارش های تاریخ سازگاری ندارد.

(از کتاب وضع و نقد حدیث عبدالهادی ص ۷۱)

یکی از روایاتی که برای عثمان ساخته شده سخنی است که از ابوهریره که روزی به حضور رقیه دختر رسول گرامی و همسر عثمان می رسد و او در همان حال شانه به دست داشته است و به

ابوهریره می گوید: «خَرَجَ مِنْ عِنْدِي رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَنْفًا رَجُلْتُ رَأْسَهُ، فَقَالَ لِي: كَيْفَ تَجِدُنِي أبا عَبْدِ اللَّهِ؟ قُلْتُ: بِخَيْرٍ، قَالَ: أَكْرَمِيهِ فَإِنَّهُ مِنْ أَسْبِهِ أَصْحَابِي خُلُقًا» معجم طبرانی، ج ۱ ص ۷۷؛ حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۴۸، کنز العمال، ج ۱۳ ص ۱۴۱) پیامبر(ص) لختی پیش از نزد من بیرون شد من موهایش را شانه می کردم که از من پرسید ابو عبدالله(عثمان) را چگونه می یابی؟ گفتم: خوب است فرمود: او را بزرگ بدار که شبیه ترین یار منم به از نظر خلق و خو است.

محدثان اهل سنت خود به رد این روایت پرداخته اند و بخاری گفته است رقیه در روزگار نبرد پدر، سال دوم هجری از دنیا رفت در حالی که ابوهریره در جنگ خیبر، سال هفتم هجری، از وطنش هجرت کرده و به مدینه آمده است. (تاریخ کبیر، ج ۱ ص ۱۲۹، ح ۳۸۸) از این رو حاکم نیشابوری با واهی داشتن متن حدیث در صدد یافتن ناقل دیگری برای این ماجرا برآمده ولی ناکام مانده است. (المستدرک علی الصحیحین، ج ۴ ص ۴۸) نورالدین نیز در سند حدیث خدشه وارد کرده و محمد بن عبدالله را در طریق آن ناشناخته خوانده است. (هیثمی، نور الدین، مجمع الزوائد، ج ۹ ص ۸۱؛ رک: کنز العمال، ج ۱۳ ص ۴۲).

نکته: تشخیص احادیث صحیح از موضوع به وسیله تاریخ صحیح، شیوه ای کهن و معمول نزد دانشمندان حدیث بوده است، اهتمام آنان به سال تولد و وفات راویان و محل ملاقات با راوی از همین جهت است. سفیان ثوری گوید: «هنگامی که برخی راویان به دروغ در حدیث روی آوردند. مانیز با تاریخ به مقابله پرداختیم» (مقدمه ابن الصلاح، ص ۳۴۳) گفت و گوی زیر مؤید این اهتمام است:

عفیر بن معدان کلاعی گوید: عمر بن موسی بر ما وارد شد. مردم در مسجد دور او جمع شدند و او مرتب می گفت: «حدثنا شيخكم الصالح»

من گفتم: این شیخ صالح کیست؟ نام ببرم تا بشناسم!

گفت: خالد بن معدان است.

گفتم: در چه سالی او را ملاقات کردی؟

گفت: سال ۱۰۸.

گفتم: در کجا؟

گفت: در عزاه ارمنیه .

گفتم : ای شیخ از خدا بترس و دروغ نگو! خالد سال ۱۰۴ از دنیا رفت و تو ادعا می کنی ۴ سال بعد از مرگش با او ملاقات کرده ای . (لقمان سلفی ، اهتمام المحدثین بنقد الحدیث سنداً او متناً ص ۳۳۶)

فقدان شواهد تاریخی (ک درسنامه وضع ...رفیعی ص ۳۱)

برخی فقدان موارد تاریخی را دلیل بر عدم وضع در زمان حیات پیامبر (ص) دانسته اند، مصطفی سباعی در این باره نوشته است : « تاریخ صحابه در زمان حیات حضرت رسول (ص) و پس از آن دلالت دارد بر اینکه آنان در ترس از خدا و تقوا بودند ؛ به گونه ای که آنان را از دروغ بستن به خدا و رسولش باز میداشت». (سباعی ، السنه و مکائنها فی تشریع الاسلامی، ص ۷۶)

دکتر عجاج خطیب می نویسد: « واقعیت تاریخ در زمان حیات رسول خدا(ص) و پس از آن نظر مارا تأیید می کند و افتراپی را در این موضوع [وضع حدیث] بر صحابه نفی می کند».

با مراجعه به کتب تاریخی و تراجم ، مواردی از جعل و فراق به دست افراد بیمار از نظر قلب و سست از نظر عقیده یافت می شود که برای رسیدن به اهداف خود در زمان حیات رسول خدا (ص) و سال هاب آغازین پس از رحلت پیامبر(ص) را تحریف می کردند و مطالبی بی اساس را به ایشان نسبت می دادند، امام علی (ع) می فرماید: وَقَدْ كُذِبَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) فِي عَهْدِهِ حَتَّى قَامَ خَطِيباً ، فَقَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ فَقَدْ كَثُرَ الْكَذَابُ عَلَيَّ ، فَمَنْ كَذَبَ عَلَيَّ مُتَعَمِّداً فَلْيَتَوَأْمَقْعِدَهُ مِنَ التَّ=نَارِ ثُمَّ كَذَبَ عَلَيْهِ مِنْ بَعْدِهِ أَكْثَرُ مِمَّا كَذَبَ عَلَيْهِ فِي زَمَانِهِ (محمد باقر مجلسی ، بحار الانوار ، ج ۲، ص ۲۲۹)

در زمان حیات رسول خدا (ص) بر او دروغ بستند تا اینکه آن حضرت ایستاد و در حال خطابه فرمود: کسانی که دروغ بر من می بندند فراوان شده اند ، پس هرکس به من دروغ ببندد ، باید جایگاهی از آتش جهنم برگزیند ، سپس دروغ بستن به آن حضرت بعد از وفاتش ادامه یافت بیش از آنچه در زمان حیاتش بود.

محمود ابوریه با ذکر نمونه های تاریخی در زمان حیات رسول (ص) نتیجه می گیرد دروغ بستن بر آن حضرت از قبل آغاز شده بود ، یکی از داستان های مزبور به اختصار عبارتند از :

از عطاء بن سائب آمده که روزی عبدالله بن زبیر به یاران خود گفت : آیا می دانید که تأویل حدیث « من کذب علی معتمداً» چیست ؟ آنان گفتند : نمی دانیم . او گفت : مردی از مردم مدینه عاشق

زنی شد، پس خواستگاری او رفت؛ اما خاندان وی مخالفت خود را با این ازدواج اعلام کردند، او پس از آن لباس فاخری برتن کرد و دگر بار به سراغ خانواده او رفت و به ایشان گفت: رسول خدا(ص) مرا میان شما فرستاده است تا در هر کدام از خانه های شما که بخواهم میهمان باشم و او انتظار داشت تا در خانه آنان بخوابد و با آن زن تماس برقرار کند.

پس از این حادثه مردی از آنان به حضور رسول خدا(ص) رسید و عرض کرد: فلان شخص نزد ما آمده و مدعی است شما او را مأمور ساخته ای [تا به میان ما بیاید و] در هر یک از خانه های ما خواست بخوابد، پیامبر فرمود: به خدا سوگند دروغ گفته است؛ سپس آن حضرت مردی رار وانه کرد و او را مأمور نمود تا اگر به آن شخص دست بیاید او را گردن بزند و در آتش بسوزاند، وی از حضور پیامبر بیرون می رفت که رسول خدا(ص) او را باز خواست و از سوزاندن آن مرد پس از کشتنش نهی فرمود، به این دلیل که جز پرودگار آتش، کسی دیگر در آتش عذاب نمی کند. هاشم معروف حسنی، اخبار و آثار ساختگی؛ ص ۱۲۳؛ الاضواء الاسنة المحمدیه، ص ۶۵)

اباهریره کمتر از دو سال مصاحب رسول خدا(ص) بوده است؛ اما بیش از پنج هزار حدیث از آن نقل نموده به گونه ای که خلیفه دوم بارها با او برخورد کرده و او را به تبعید از مدینه تهدید نمود(همان ص ۲۰۰) سید رضا می نویسد اگر عمر خلیفه دوم طولانی می شد تا ابوهریره می مرد، این احادیث فراوان به دست ما نمی رسید. ناصر رفیعی محمدی، درسنامه ما وضع حدیث، ص ۳۴)

عایشه بارها با ابوهریره برخورد نمود و برخی روایات را که وی به رسول خدا(ص) نسبت می داد، انکار کرد و گفت: «ان لتحدث حدیثاً ما سمعته من النبی: مطالبی را نقل می کنی که از پیامبر نشنیده ام». او در پاسخ بدون رعایت ادب گفت: «شعلک عنه (ص) المرأة و المکحلة (همان ۳۴): آئینه و سرمه دان تو را از شنیدن باز داشت.»

در این قسمت از نوشتار برآنیم که حدیث شناختی ابوهریره در گذر تاریخ را درد و مقطع قبل و بعد از فوت وی مورد مذاقه و واکاوی قرار دهیم:

۱- عصر پیامبر اکرم(ص)(ابوهریره و احادیث ساختگی شرف الدین، ص ۳۰)

وقتی که ابوهریره به اسلام گروید به تنگدستان صفة پیوست در صحیح بخاری (کتاب العلم، ج ۱، ص ۲۲؛ ابونعیم، حلیة الاولیاء، ج ۱، ص ۳۷۶). در ضمن حدیث بلندی از ابوهریره آمده است: «

ابوهریره برای سیری شکمش ملازم رسول خدا(ص) بود در همان جا از طریق ابن مسیب و ابوسلمه از ابوهریره در ضمن یک حدیث (صحیح بخاری ، ج ۲، کاب البیوع، ص اول)، آمده است : « برای آنکه شکم خود را پر کنم با رسول خدا(ص) همراهی می کردم» در صحیح بخاری (بخاری ، صحیح ، ج ۳، ص ۱۷۵) از ابوهریره نقل شده است : « خود را دیدم که از گرسنگی بی حال میان منبر رسول خدا (ص) وحجره عایشه افتاده ام . کسانی که می آمدند پای بر گردنم می گذاشتند و می پنداشتند که من دیوانه ام و حال آنکه من دیوانه نبودم، این گرسنگی شدید بود.» و نیز بخاری (همان جلد ۲ ، ص ۱۹۷) با اسناد خود از ابوهریره نقل می کند: « مردم می گویند که ابوهریره زیاده بر رسول خدا(ص) حدیث می بندد. حال آنکه من همیشه با آن حضرت بودم تا شاید شکم سیر باشد ؛ خمیر نخوردم و به جای لباس پارچه ای بر خود نیندازم و در خدمت فلان زن یا مرد در نیایم، در آن زمان از فرط گرسنگی سنگ ریزه بر شکم می بستم . همچنان جایگاه او در در شب و روز صغه بود تا وقت ارتحا رسول خدا(ص) و پیوستنش به رفیق علی ، جایگاه و پناهگاهی جز صغه نداشت و مأموریتی دیگر نداشته است : نه در جنگی نه در صلحی نامی از او برده نشده بله گفته اند در روز موته از ترس لشگر دشمن پا به فرار گذاشت (السمندرک ، ج ۳، ص ۴۲).

عده ای پنداشته اند تو در میان گروهی بوده است که پیامبر اکرم(ص) آنان با علی (ع) برای اعلان برائت به مکه گسیل داشته و هم او در روز حج اکبر آنقدر فریاد زد که صدایش گرفت. در این باره از او دو حدیث متناقض ، در نتیجه بی ارزش و متساقط رسیده است.

۲- روزگار ابوبکر و عمر (ابوهریره و احادیث ساختگی شرف الدین ۳۶)

با بررسی اخبار و احوال روزگار این دو خلیفه ، چیز در خور ذکری درباره او نیافتیم تنها عُمَر، در سال ۲۱ هجری او را بر حکومت بحرین گماشت و با رسیدن سال ۲۳ هجری او را برکنار و معزول گردانید و به جای او عثمان بن ابی العاص را به آنجا فرستاد . او به عزل ابوهریره اکتفا نکرد و تا ده هزار دینار را که معتقد بود او از بیت المال دزدیده است. از او نستانید ، رهایش نکرد . (ابوهریره و احادیث ساختگی ، شرف الدین عاملی ، ص ۳۶). برای اثبات این واقع به سخن «ابن عمر ربه ممالکی» در ابتدای جلد اول کتاب «العقدالفرند» در بخشی که درباره عُمَر سخن می گوید، توجه کنید : «عمر، ابوهریره را فراخواند و گفت : تو خودت می دانی ، وقتی تو را بر امارت بحرین گماشتم ، از داشتن یک جفت نعلین هم محروم بودی ولی اکنون می شنوم که برای خودت اسبانی هزار و ششصد

دنباری خریده ای، ابوهریره گفت: اسبانی بودند که با زاد و ولد زیاد شدند، مردم هم به من عطایایی می دادند، عمر گفت: قبلاً هزینه زندگی تو پرداخته ام، و اینکه هرچه در نزد تو است زیادی است و باید آنها را برگردانی ابوهریره گفت: تو چنین نمی کنی، عمر گفت: به خدا سوگند این کار را می کنم و تو را تازیانه هم می زنم، آنگاه چنان بر او تازیانه زد که مجروح و خون آلود شد، عمر گفت: آن اموال را بازگردان، ابوهریره گفت: نزد خدای به حساب آور، عمر گفت: اگر از حلال و بدون ستمکاری بود، آیا مردم برای خدا و بندگان مالشان را بدهند (مالیات) تا شکم نو را سیر کنند، تو که از جایی دور به اینجا آمده ای؟ امیمه (مادر ابوهریره) تو را جز برای خر چرانیدن نیفکنده است ..

ابن عبدربه از ابوهریره نقل می کند: «آنگاه عمر مرا از ولایت بحرین بر کنار نهاد و عزل کرد و گفت: ای دشمن خدا و قرآن! آیا اموال خدا را سرقت کردی؟ گفتم: من نه دشمن خدایم و نه کتاب او، تنها دشمن دشمنان شما هستم و مال خداوند را نیز ندزدیده ام، عمر گفت: پس این ده هزار چگونه برای تو گرد آمد؟ گفتم: اینها اسبانی بود که زاد و ولد کردند و هدایا و سهام که همواره به من می دادند، سپس همه را از من گرفت، من نیز هنگام نماز صبح برای امیرالمومنین، عمر از خداوند خواستار بخشایش بخشایش شدم...» (ابوهریره و احادیث ساختگی، شرف الدین، ص ۳۷)

۳- روزگار عثمان (ابوهریره و احادیث ساختگی شرف الدین، ص ۳۸)

در این هنگام ابوهریره به خاندان «ابوالعاص» و امویان دیگر علاقه مندگشت. با مروان رابطه برقرار نمود و به خاندان «ابومعیط» نزدیک شد. شاید بدین وسیله برای خود جایگاهی در نزد آنان به دست آورد به ویژه پس از جریان «یوم الدار» که همراه عثمان در میان محصوران بود، بدین ترتیب پس از آن همه بی نوایی و سستی به نان و نوایی رسید.

فتنه «یوم الدار» برای او فرصت خوبی بود که محلق شدن به محاصره شدگان و پناه به آنان، خویش را نزد خاندان ابوالعاص و دیگر امویان عزیز گرداند. آنان نیز به نیازمندی خود به او آگاه بودند و می دانستند که او قادر است حکومتشان را قوام بخشد، از همین رو امویان و یارانشان غبار خواری و بی نوایی را از او گرفتند و سعی در تعریف و تمجید و تأیید او نمودند، اگر چه آنان می دانستند که ابوهریره هنگامی که به محاصره شدگان پیوست و وارد خانه شد که خلیفه پیروانش را جنگ و خونریزی باز داشت و خواستار آرامش گشت. به هر صورت این مرد با غنیمت شمردن این فرصت

، نان و نوایی به دست آورد ، امویان نیز پای سخنشز گرد آمدند و برای نشر سخنان او از هیچ تلاشی دریغ نور زدند، آنان همیشه به سخنان او استنادی جستند و او نیز در حرف زدن و حدیث گفتن تسلیم خواست آنان بود . (ابوهریره و احادیث ساختگی شرف الدین ، ص ۳۸) از جمله احادیثی که از رسول خدا(ص) برای آنان گفت ، عبارتند از :

- ۱- «هر پیامبری دوستی از امت خود دارد دوست من هم عثمان است» (ذهبی ، میزان اعتدال)
- ۲- «عثمان چنان با حیاء است که فرشتگان از او حیاء می کنند.» (ابن کثیر ، البدایه و النهایه ، ج ۷، ص ۲۰۳)

- ۳- «در بهشت هر پیامبری رفیقی دارد، رفیق من در آنجا عثمان است.» (ذهبی ، میزان اعتدال)
 - ۴- «جبرئیل نزد من آمد و گفت : خداوند فرمان داد که «ام کلثوم » را با مهریه «رقیه» به همسری عثمان در آوری» (ابن حجر عسقلانی ، الاصابه، ج ۴)
- ابوهریره سخن پیامبر (ص) را برعکس بیان می کرد. در یک خبر صحیح و متفق علیه آمده است که رسول خدا(ص) فرموده: «بزودی پس از من فتنه و آشوب و اختلاف پدید می آید»، اصحاب عرض کردند: ای رسول خدا! در این صورت ما چه کنیم ، حضرت به علی (ع) اشاره نمود و فرمود: از این مرد و اصحابش پیروی کنید . اما ابوهریره به گونه ای نقل کرد که حضرت در آن هنگام به عثمان اشاره کرد. (حاکم نیشابوری ، مستدرک ، ج ۳، ص ۹۹)

- ۴- روزگار علی (ع): (ابوهریره و احادیث ساختگی شرف الدین ، ص ۴۳. ۴۲)
- در عصر علی (ع) صدای ابوهریره رو به خفگی گذارد ، اندکی مانده بود که به احوال و اوضاع اولش برگردد ، او منافقانه از یاری علی (ع) دست شست و به زیر لوای او نرفت ، بلکه جانب دشمن را گرفت و آن را یاری کرد، در شام معاویه او را به همراهی «نعمان بن بشیر» به نزد علی (ع) فرستاد تا قاتلان عثمان را از آن حضرت خواستار شوند و به سزایشان برسند ، البته معاویه می دانست که علی (ع) قاتلان عثمان را به آنان نمی سپارد، لیکن می خواست هنگام بازگشت آنان عذر تراشی برای او و ملامتگرانی برای حضرت علی (ع) باشند، او می خواست نعمان و ابوهریره نزد شامیان بر این امر گواهی دهند و دلیل معاویه در جنگ کردن با علی را برای آنان بگویند... ابوهریره بی آنکه پاسخی بشنود ، راهی شام شد و ما وقع را برای معاویه شرح داد معاویه نیز فرمانش داد مردم را نیز از واقعه آگاه کند ، و او هم برای خشنودی معاویه مو به مو به فرمانش اطاعت کرد. پس

از ابوهریره، نعمان اندکی در محضر علی (ع) ماند، ولی پس از آن به شام گریخت و او نیز ما وقع را برای ایشان بازگو کرد. اوضاع به همین صورت بود تا اینکه خوارج در مخالفت با علی (ع) سر بلند کردند. معاویه بر مصر استیلا یافت و محمد بن ابوبکر را کشت و به قتل و غارت و تجاوز به سرزمین امیرالمومنین پرداخت پس آن معاویه او را حاکم مدینه کرد. (شرح نهج البلاغه، حمیدی، ج ۱، ص ۱۶۶-۱۲۱) و هنگام بازگشت مردم را به اطاعت از او فراخواند ابوهریره نیز از آن پس پیشوایی و امامت نماز آن دیار را به عهده گرفت، او می پنداشت بر مردم آنجا ولایت دارد، آنگاه که از جانب علی (ع) «جاریه سعدی» فرزند «قوامه» به همراهی دو هزار نفر سواره به آنجا آمد، وقتی بود که ابوهریره در نماز با مردم بود تا از مسائل آگاه شد فرار کرد، «جاریه» گفت: اگر «پدر گریه» ابوهریره را می یافتم او می کشتم. (ابن تاثیر، تاریخ کامل، ج ۳، ص ۱۵۳) هنوز در حجاز بود که خبر دردناک شهادت جانشوز حضرت علی (ع) در کوفه را شنید، از همین روی برای امام حسن (ع) از مردم مدینه بیعت گرفت، سپس به کوفه بازگشت، ابوهریره هم پس از آنان به میان مردم بازگشت و به نماز ادامه داد (همان) و وقتی که دستگاه معاویه به حکومت رسید او نیز به مقامی رسید و نزدشان عزیز گشت.

۵- روزگار معاویه: (ابوهریره و احادیث ساختگی شرف الدین، ص ۴۶)

در عصر معاویه ابوهریره اوضاع خوبی پیدا کرد و توانست به آرزوی دیرینه خود جامه عمل بپوشاند از این رو دست به جعل احادیث بسیاری وی زد که خواسته معاویه بود. او در فضل و بزرگی معاویه احادیث بسیار و شگفت آوری ساخت.

در آن عصر، جعل و ساخت احادیث به اقتضای خواسته های سلاطین و حاکمان وقت و در راستای سرکوب هاشمیان افزایش یافت، جاعلان حدیث همانند نبودند و هرکس به فراخور مقام و منزلت و دیگر شرایط مشغول به کار بود، در این میان ابوهریره جلودار بود. او در این مدت احادیث منکری ساخت از جمله:

خطیب بغدادی (تاریخ بغدادی، ج ۵، ص ۴۴۵) از ابوهریره نقل می کند: پیامبر (ص) شنیدم که گفت: خداوند سه کس را امین و وحی خویش گردانیده است من و جبرئیل و معاویه (شرف الدین عاملی، ابوهریره، ص ۴۶) در جای دیگر، خطیب با سند های خود از ابوهریره نقل می کند: «روزی

رسول خدا (ص) با دست خود تیری به معاویه داد و فرمود: این را بگیر که در بهشت به آن وسیله به ملاقاتم آیی! (همان)

وقتی در حال ابوهریره پیش از امویان و ابوهریره پس از امویان نیک بنگریم به نعمت های امویان نسبت به او پی می بریم پیش از حکومت امویان او مردی پست و فرومایه و بی همه چیز بود که به خودش شپش ها برجامگانش دوان بودند. (حلیه الاولیاء، ج ۱، ص ۳۸۱)

۶- دوران امویان؛ ولی پس از سرکار آمدن امویان

امویان او را از زمین بلند کردند و غبار تنگدستی و بیچارگی را از او برگرفتند و جامه ابریشم و لباس فاخرانه بر تنش پوشانیدند، لباس حریر و کتان شانه خورده بر تنش کردند و در محله «عقیق» (بخاری، صحیح، ج ۴، ص ۱۷۵) برای قصر بنا کردند با این وسیله حلقه نوکری در گردش آویختند و نامش را بلند آوازه ساختند و او را بر حکومت مدینه منوره شهر رسول خدا (ص) گذاشتند. (مسند احمد بن حنبل، ج ۲، ص ۴۳) در زمان حکومت «بسر» دختر غزوان بن جابر بن وهب مازینه خواهر امیر عقبه بن غزوان (ابن حجر عسقلانی، الاصابه، ج ۱) را به ازدواجش درآوردند که پیش از این در خیال هم چنین چیزی را نمیدید و به خوایش نمی کرد. زیرا پیش از این برای سیری شکمش در خدمت این زن بود و پای برهنه نوکریش می کردن. مضارب بن جزء می گوید: (همان) «شبان در مسیری قدم می زدم مردی توجه مرا جلب کرد، پیوسته صدا به تکبیر بلند کرده بود، خوب که دقت کردم دیدم ابوهریره است. گفتم ای ابوهریره! چه می کنی؟ گفت: خداوند را سپاس می نهم که پیشتر اجیر بسر» دختر غزوان بودم و محتاج به شکمی سیر، وقت سوار شدن آبشان می دادم و هنگام پایین بودن در خدمت اینان بودم، وای اینکه او را به ازدواج خویش در آوردم و الان من سوار می شوم و وقتی به پایت بیایم او همواره در خدمت من است، در آن زمان وقتی به دشتی هموار می رسیدم می گفت: عصیده «کاجی» برایم بساز، ها!! این من هستم که الان در چنان مکانی او را فرمان به تهیه کاجی می دهم...» (همان) گاهی هم برای همسازی با سیاست امویان و در واقع با خواست سیاست آنها دست به ساختن احادیثی در ضد هاشمیان و حضرت علی (ع) می زد مانند: رسول خدا (ص) به عمویش ابوطالب فرمود: بگو «لا اله الا الله» و... که در آخر آن آورده است اینجا بود که خداوند این آیه را فروفرستاد (آنک لاتهدي من احبيب ولكن الله يهدي من يشاء) (تاریخ بغدادی، خطیب، ج ۷، ص ۳۵) و رسول خدا (ص) فرمود: ما

تُرک من نباید در میان بازماندگانم پخش شود (ابوهریره و احادیث شرف الدین، ص ۵۴) و نیز «هنگامی که ابوهریره به همراه معاویه آهنگ عراق کرد به مسجد کوفه در آمد. وقتی کثرت استقبال کنندگان را مشاهده کرد بر زانوانش نشست و چند بار برپیشانی اش کوفت و گفت: «ای عراقیان! می پندارید بر خداوند و رسولش دروغ می ندم و خویش را در آتش می افکنم؟ به خدا سوگند رسول خدا (ص) گفت: هر پیامبری حرمی دارد، حرم من نیز شهر مدینه است؛ کسی کخ آشوبی در آن به پا کند، لعنت خدا و فرشتگان و تمام مردم بر او باد، سپس ادامه داد: و من خدا را گواه می گیرم که علی چنین کرده است. (همان، ص ۵۵) وقتی کار ابوهریره و ساختن آن حدیث به معاویه رسید به او جایزه داد، او را گرامی داشت و بر مدینه گماشت!

مروان و فرزندان او نیز برای اینکه طرق احادیث او را افزونی بخشند به هر تلاشی دست زدند و از هیچ کوششی دریغ نورزیدند تا جایی که صاحبان صحاح ششگانه و سنن و مسانید جملگی از او روایت کرده اند، آنان برای اینکه این مرد را برترین حافظ ناقل حدیث پیامبر (ص) جلوه دهند و نقل احادیث او را مردی پرهیزکار بلکه پرهیزکارترین اصحاب معرفی کنند دست به کارهایی زدند که تا امروز اثر خود را در مردم نهاده است. (همان، ص ۵۵)

۷-وفات ابوهریره (ابوهریره و ... شرف الدین، ص ۲۳۹)

در قصر خود عقیق (ابن حجر عسقلانی، الاصابه) از دنیا رفت، پسران عثمان بن عفان به خاطر عقیده و سخن ابوهریره در زمان حیات خود نسبت به پدر آنان (ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۴، ص ۶۳) او را تا مدینه، قبرستان بقیع بر دوش کشیدند، ولید بن عتبّه فرزند ابوسفیان که در آن هنگام حکمران مدینه بود و مروان از کار کنار رفته بود (همان) برای بزرگداشت او و پس از آن با مردم نماز عصر را به پایان برد، بر او نماز گزارد، ولید با عموی خود معاویه خبر مرگ ابوهریره را رسانید، معاویه در پاسخ ولید نوشت (همان) بنگر که چه کسانی بر جایش مانده اند و ده هزار درهم به آنها بده و نیکویشان بدار و به آنان خوبی نما زیرا او در آن روز با عثمان خانه بود و او را یاری نمود. در هفتاد و هشت سالگی در سال (۵۷هـ) از دنیا رفت. بعضی نیز گفته اند در سال ۵۸ و عده ای دیگر سال وفاتش را ۵۹ دانسته اند.

از او فرزندی می شناسیم به نام «محرربن ابی هریره و دختری که به او می گفت: دخترم! بگو: اگر پدرم مرا با طلا بیاراید از حرارت آتش می هراسد، نیز از محرر فرزندی به نام نعیم مانده است که

او هم گفته است «جدم ابوهریره نخی داشت با هزار گره هر شب تا به شماره آن گره ها تسبیح خدا را نمی گفت خوابش نمی برد» (ابونعیم اصفهانی ، حلیۃ الاولیاء ، ج ۱ ، ص ۳۸۰) .

باز از او روایت کرده اند : « فردی به رسول خدا (ص) گفت: با چه چیزی بازرگانی کنم ؟ فرمود: بزازی کن ، و جامه نیکو عرضه نما چرا که چنین شخصی همیشه می خواهد مردم در خوشی و نیکویی باشند ».

درباره محرر نیز ابن سعد در الطبقات خود (ابن سعد ، الطبقات الکبری ، ج ۵ ، ص ۱۸۸) به شرح حال او پرداخته است و نسبت او را به دوس رسانده است ، او نیز در خلافت عمر بن عبدالعزیز از دنیا رفت و البته بسیار کم روایت است .

ب) تبیین گزارش های تاریخی حدیث شناختی بعد از ابوهریره (در فصلنامه حجیت سنت .. ابوهریره ، ص ۸۹)

سنت در کنار قرآن کریم و پس از آن ، مهم ترین سرچشمه شناخت دین ، کارآمد ترین ابزار تبیین آن و شامل ترین منبع دریافت آموزه های اسلامی است و بیشتر مسلمانان در حجیت آن اختلاف نداشته پ ندارند ، اما بی گمان نشانه هایی از تردید در حجیت سنت یا انکار آن در طول تاریخ اسلام دیده می شود به رغم آنکه بسیاری از نویسندگان اهل سنت تلاش کرده اند تا با ارائه شواهدی اصل حجیت سنت پیامبر (ص) در نزد مسلمانان را مسلم انگاشته (ر.ک: ابوزهو ؛ ۱۳۷۸ق، ص ۲۰)

برخی نیز بر آن اند که نخستین نشانه های بی اعتنایی به سنت و باور به قرآن بسندگی ، مربوط به روایت احتضار پیامبر (ص) است ؛ آنگاه که آن حضرت قلم و دوات خواست تا نوشته ای فراهم کند و عمر بن خطاب یاد آورد شد که « کتاب خدا مارا پس است » (پاکتچی ، ص ۶۸۷) . اما به نظر می رسد این جریان ، آغاز ماجرا نیست و پیش از آن در زمان حیات پیامبر (ص) نشانه هایی از مخالفت صجابه با سنت و یاد حداقل در تردید حجیت آن ، دیده می شود ، نگاه به سخنان و نیز عملکرد برخی از صحابه در تعامل با سنت پیامبر (ص) چگونگی برخورد خلفاء با نگارش و نشر احادیث ، مباحثه شافعی با یک فرد ناشناس حجیت سند در قرن دوم، نگارش کتابی به قلم سیوطی درباره اعتبار سنت در برابر منکران سنت در سده دهم و ... هم نشان از آن دارد که دیدگاه وضع و جعل حدیث به دنبال عدم حجیت سنت به صورت پراکنده و غیر منسجم در همه دوره های تاریخ

اسلام حضور داشته است؛ البته این جریان، فراز و فرودهای زیادی داشته و در برخی دوره ها، حضوری بسیار کم رنگ دارد گاه در خلال چندین قرن، هیچ گونه شناختی از آن به میان نیامده و تنها در دو قرن اخیر است که شکلی نسبتاً منسجم به خود گرفته است. (محمد ابراهیم روشن ضمیر، حجیت سنت .. ابوری، ص ۸۶) از جمله کسانی که در جعل او تحریف روایات بد طولانی داشته اند کعب الاحبار، وهب بن منبه، انس بن مالک، ابن ابی العوجا که شاخص ترین آنها ابوهریره می باشد.

ابوهریره و نقد رجالی: (زندگی نامه شرف الدین ..)

کثرت دور از انتظار روایات ابوهریره از پیامبر (ص) با توجه به محدود بودن دوره همراهی او با پیامبر، اعتراض هایی را از سوی برخی از صحابه پیش آورد که دامنه این اعتراضات کمابیش به دوره های بعد کشیده شد، با نظر داشتن این اصل که اکثریت اهل سنت به طور کلی اصحاب پیامبر (ص) را عادل پنداشته و در صدد نقد صحابه برنمی آیند بدیهی است که شخصیت ابوهریره نیز به عنوان یکی از صحابی همواره از سوی آنان مورد تأیید و احترام است. شیعه امامیه که در اصول اعتقادی مذهب خود ضمن حرمت نهادن بر صحابه راه نقد آنان را باز می دیده اند، در آثار مختلف خود به انتقاد از شخصیت ابوهریره پرداخته اند.

ابراهیم نظام از معتزله ابوهریره را به کذب و وضع حدیث متهم ساخت و ابوجعفر اسکافی نیز در نقض خود بر العثمانیه جاحظ، حکایاتی در انتقاد از ابوهریره نقل کرده است عدل گرایان حنفی در خراسان نیز به سان معتزلیان از نقد شدی ابوهریره پرهیز نداشته اند. در دهه های اخیر نیز شخصیت ابوهریره از نو مورد بازبینی قرار گرفته و چندین تن از نویسندگان شیعه و اهل سنت به تألیف آثاری در انتقاد از وی پرداخته اند از شیعه امامیه می توان کتاب ابوهریره از عبدالحسین شرف اشاره کرد. از اهل سنت محمود ابوری نیز در کتاب المضره به دقت به نقد زندگی روایات منقول از ابوهریره پرداخته اما محمد حبیب اعظمی در کتاب ابوهریره فی ضوء مرویانه کوشیده است تا با نگرشی به احادیث منقول ابوهریره در صحاح ششگانه و کتب حدیث به جایگاه مهم او اشاره کند.

ابوهریره و حدیث

فراوانی احادیثی که از ابوهریره روایت شده امری است که نه در تألیفات سده های بعد بلکه در همان دهه های نخستین اسلامی حساسیت برانگیز بود به عنوان شاهد باید به دستور خلیفه عمر اشاره کرد که ابوهریره را به علت کثرت روایت از پیامبر (ص) از نقل حدیث برحذر داشت همچنین حضرت علی (ع) در برخی دیگر از اصحاب نیز در همین مورد زبان به اعتراض گشودند

ابوهریره جز شنیده های مستقیم خود از پیامبر (ص) بسیاری از احادیث آن حضرت را از طریق دیگر صحابه چون : ابوبکر، عمر، ابن بن کعب، عایشه، سهل ابن سعد ساعدی و حتی صحابی جوانی چون فضل بن عباس نقل کرده است.

بر پایه آماری که از احادیث ابوهریره به دست آمده شمار احادیث منفرد وی در صحیح بخاری ۹۳ حدیث، احادیث منفرد وی در صحیح مسلم ۱۸۹ حدیث، احادیث مشترک او در صحیحین ۳۲۵ حدیث و به طور کلی او در کتب معتبر حدیثی بالغ بر ۵۳۷۴ حدیث بوده است که با توجه به اینکه او حداکثر سه سال اندی در زمان حیات پیامبر (ص) بوده امری غریب است در حالیکه از دیگر اصحاب پیامبر (ص) به مراتب کمتر حدیث نقل شده است.

همچنین به گفته حاکم نیشابوری تنها ۳۸ تن از صحابه و البته گروهی از تابعین از ابوهریره روایت کرده اند، حدود ۱۰ درصد از مسند احمد بن حنبل به احادیث منقول از ابوهریره اختصاص یافته است.

احادیث ابوهریره از جهت موضوع متنوع بوده مسائلی از عقاید فقه گرفته تا سیره و ملاحم و حتی طب را در برمی گیرد.

احادیث او را به طور مجموع می توان در بخش مسند ابوهریره از مسانید بر جای مانده همچون مسند احمد بن حنبل مسند ابو موصلی و جز آن یافت.

سنت ستیزی در دوران معاصر (فصلنامه بررسی مبانی ... اختر سلطانی) و حجیت سنت ص ۸۷ دانش حدیث یکی از از مهم ترین مسائل دین در بین عالمان شیعه و سنی است، چگونگی بهره برداری از این دانش و نوع نگاه به آن از اهمیت زیادی برخوردار می باشد. که این دو برهمه خود نمایی کرد که موضوع در نیمه قرن سیزدهم هجری (قرن نوزدهم میلادی)، که غرب پس از دوره رنسانس، پیشرفت های خیره کننده ای را تجربه می کرد تهاجم گسترده و همه جانبه استعمار غربی

به جهان اسلام آغاز شد، در واکنش به برتری جویی غرب، برخی چنان دچار خودباختگی شدند که هرگونه پیشرفت و طرقي را در تسليم بی قيد و شرط را در برابر فرهنگ و تمدن غريب دیدند. در هند پسر سيد احمد خان و در ايران پسر ميرزا ملكم خان اين اندیشه را تبليغ می کردند. متأسفانه اين دیدگاه در ميالن سياست مداران، دانشمندان، روشنفكران و اندیشمندان جامعه اسلامی طرفدارانی پیدا کرد. آنان راه افراط را در پيش گرفتند و از نفی سنت به طور مطلق سخن گفتند (ر.ک: مهدوی راد، ج ۱۲، ص ۷۵۶-۷۷۳) بر همین اساس جريان های مختلفی حول محور اين دانش بين عالمان اهل سنت پديد آمده است: چون جريان های «قرآنیون» و «اهل حديث» و «سلفیه» و نیز جريان «منتقدان حديث» از جمله جريان های اصلی نام بردنی در اين زمینه است، در مقاله حاضر تلاش شده به برخی از شاخصه ها و ویژگی های برجسته هر يك بررسی و نقد گردد. طيف های مختلف

برای به دست آوردن خاستگاه منتقدان حديث ابتدا لازم است جريان های قرآنیون و اهل حديث و سلفيان را در دوره معاصر مورد بررسی قرار دهيم تا خاستگاه فکر منتقدان جريان حديث مشخص شود.

۱- قرآنیون

يك از جريان های معروف اهل سنت در ارتباط با سنت، حديث، جريان قرآنیون است، اين جريان نفی اعتبار و حجيت حديث را مطرح ساختند و به همین خاطر، از آنان تحت عنوان اهل قرآن يا «قرآنیون» یاد می شود، اهل قرآن، فرقه ای مسلمانان اند که به اصالت و کفایت قرآن به عنوان يگانه منبع تشريع احکام اعتقاد دارند. به بیانی دیگر، معتقدند که قرآن، وحی نازل شده از خداوند و تنها حجت شرعی در اسلام است و حجيت حديث را انکار می کنند، جريان القرآنیون در واقع بازتاب افراط اهل سنت در صحيح دانستن احاديث صحاح سته به ویژه صحيح بخاری است، مخصوصاً اهل حديث همه احاديث کتاب صحيح بخاری را همانند آیات قرآن، صحيح و تشكيك ناپذير می دانند؛ اين در حالی است که بسياری از روايات کتاب صحيح بخاری با قرآن، سنت قطعی، تاريخ، عقل و علم منافات دارد. مانند احاديثی که ابوهريره از رسول خدا(ص) نقل کرده در صحيح بخاری و صحيح مسلم که عبارتند از: «کنیزی که به يك موش مسنح شد» و يا «دو نوزاد از غيب سخن می گویند» و حديث مگس (ر.ک: ابوهريره و احاديث... شرف الدين، ص ۱۷۵، ۱۷۸)

۲- اهل حدیث

دیدگاه معتقدان به سنت، که بیشتر به اهل حدیث مشهور است، درباره رابطه قرآن و سنت را می توان در عبارت زیر به طور خلاصه بیان کرد: «القرآن احوج الى السنه من السنه الى القرآن» (بغدادی ۱۴۰۵، ص ۳۰) در این نگاه، قرآن مستقل نیست و بدون سنت که معنای آن را روشن سازد و اوامر و نواهی آن را تکمیل کند، کامل نیست، قرآن مجمل است و با سنت تبیین می شود، عام است و با سنت تخصیص می یابد و تفصیل جزئیات فرائضی که در قرآن آمده، در سنت یافت می شود. (آقای ۱۳۸۹، ص ۷۲۱، ۷۲۲)

۳- سلفیان (فصلنامه بررسی مبانی فکری... در زمینه حدیث ص ۶۶)

دومین جریان که مواجهه با سنت / حدیث شکل گرفته است، جریان سلفیه است. ابن یتیمیه از بنیان گذاران مکتب سلفیه است که ظهور وی، نقطه عطفی در تاریخ اهل حدیث بوده است و امروزه از ائمه سلفیان به ویژه در مسائل عقیدتی شمرده می شود، از مهم ترین عقاید او تمسک به ظواهر قرآن عدم تأویل عقلی در باب صفات الهی و تمسک به ظاهر سنت و آثار رسول خدا (ص) که از منابع اصلی در تفسیر قرآن شمرده می شود، اشاره کرد و تبعیت از سلف صالح را به سبب فهم آنان از قرآن و سنت به دلیل نزدیک بودن به عصر پیامبر (ص) برهمگان واجب می داند. (اله بداشتی ۱۳۸۸، ص ۱-۱۴) مهم ترین شاخصه ایشان این است که به ظاهری قرآن بسنده کرده و از تأویل آیات دشوار پرهیز می کنند.

۴- منتقدان حدیث (بررسی مبانی فکری ص ۶۷)

چهارمین جریانی که در مواجهه با حدیث در عصر حاضر شکل گرفته است و محور ادامه نوشتار ما است جریان منتقدان حدیث است. این جریان ضمن اعتقاد به حجیت حدیث، اشکالات و ایرادات بدی بر آن گرفته و اعتقاد به باز تعریف سنت داشتند و منتقدان حدیث در واقع، وجهه تمایز منتقدان و منکران حدیث در این مسأله است که منتقدان حدیث، سنت را یکسره نفی نمی کنند و بیشترین دغدغه آنان، توجه به نقد و نقد محتوایی بوده و بر پالایش و اصلاح میراث حدیثی تأکید می ورزند، که خاستگاه و زمینه ساز آن در مجله المنار بوده. (معارف ۱۳۸۹، ص ۱۳۳) وجود این مسأله و نیز پیشرفت های ملل دیگر، نقد ها و ایرادات برخی از مستشرقان از جمله گلدزیهر (۱۹۲۱-۱۸۵۰) و شاخت (۱۹۶۹-۱۹۰۲) و نیز سوالات بی پاسخ نسل جدید، باعث شد تا برخی مجدثان و عالمان

دینی بر حدیث، اشکالات و ایراداتی چون عدم اعتنا و اهتمام به نقد متن یا نقد داخلی، توجه به سند و ... وارد نمایند. (بررسی مبانی فکری ...، ص ۶۹)

گروه منتقدان حدیث از جمله محمد توفیق صدقی و رشید رضا و ابوریه ضمن باور به حجیت حدیث، اعتقاد به باز تعریف سنت داشتند؛ سنتی که از سده پنجم به بعد بر همه سادات علم و آگاهی مسلمانان سایه افکنده بود و باعث سنت گریزی و سنت ستیزی عده ای شده و منظور از سنت ستیزان کسانی هستند که به طور صریح حجیت سنت را نمی پذیرند، بر مسند بودن قرآن برای دریافت همه گزاره ها و آموزه های دینی پای می فشارند. از کسانی که دیدگاه آنها درباره سنت در جهان اسلام ایجاد موج و بیداری نمود؛ سید عبدالحسین شرف الدین عاملی با تألیف کتاب «ابوهریره و احادیث ساختگی» و محمود ابوریه که به ندای شرف الدین لبیک گفته با تألیف کتاب های الاضواء السنه محمدیه و کتاب شیخ المضیره ابوهریره به نقد و بررسی احادیث ابوهریره نموده اند.

در پایان تأثیر گذاری ابوهریره در حوزه های مختلف دین که در میان علمای اهل کتاب که به اسلام گرایش یافتند و مسلمان شدند و تعداد آنان کم نیست، ابوهریره بیش از دیگران مورد توجه مفسرین و تاریخ نویسان قرار گرفت به ویژه شاعران چون مولانا احادیث وی در آثار خود مورد توجه قرار داده از جمله :

۱- قال النبی (ص) : یا اباهریره جَفَّ القلم بما انت لاقِ (نسائی ۱۳۴۸، ص ۵۹؛ بخاری ۱۳۴۱، ج ۶، ص ۱۱۹) قلم به آنچه ناگزیر از آنی، رقم خورده است. (آنچه سرنوشت توسست و باید با آن ملاقات کنی، لایتغیر است. افروز انفر، ۱۳۸۵، ص ۱۴۹). مولانا در مورد تفسیر آن دارد .

فعل تست این غصه های دم به دم
این بود معنی قد جَفَّ القلم
که نگردد سنت ما از رَشَد
نیک را نیکی بود بد راست بد
(همان ص ۷۶۸)

۲- قال رسول الله یا اباهریره ! زُرْعَابُ تَزْدَدُ حَبًّا. (سیوطی، ۱۳۲۱، ج ۲، ص ۱۲) ای ابوهریره ! یک در میان (که گاه) به دیدنم بیا تا محبت بیشتر شود .

به دیدار مردم شدن عیب نیست
ولیکن نه چندان که گویند بس

اگر خویشتن را ملامت کنی ملامت نخواهی شنیدن ز کس (سعدی ۱۳۵۷)

؛ ص ۳۳۱

۳- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ قَالَ : الْكَافِرُ يَأْكُلُ فِي سَبِّهِ أَمْعَاءَ وَ الْمُؤْمِنُ يَأْكُلُ فِي مَعَاءٍ وَاحِدٍ (ترمذی ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۱۷۳). کافر با هفت شکم غذا می خورد در حالی که مؤمن به اندازه یک شکم غذا می خورد.

از نبی بشنو که شیطان در وعید می کند تهدیدت از فقر شدید

تا خوری زشت و بری زشت و شتاب نی مروت نی تانی نی ثواب

لاجرم کافر خورد در هفت بطن دین و دل باریک و لاغر زفت بطن)

(مولوی ۱۳۸۴)

قابل ذکر است ؛ مولانا نه تنها همه احادیث ابوهریره را نپذیرفته است ، بلکه نقدی نیز بر آن وارد داشته و چنانکه شیوه اوست حدیث را مطابق ذوق عرفانی خود تأویل و تفسیر می کند و نتیجه ای که از آن می گیرد ، لطیف و دلنشین می باشد. (فصلنامه ادبیات فارسی ، دکتر جلیل جلیلی ، ص ۱۹۱)

نتیجه گیری

آنچه تاکنون از این جستار گذشت گزارشی اجمالی از تحلیل جایگاه حدیثی ابوهریره در گذر تاریخ که مهم ترین نتایج و دستاوردها آن عبارتند از : نگرش کلی به شخصیت ابوهریره در طول طندگی اش و شناساندن ابوهریره بعنوان مکتب حدیث جعلی در طول تاریخ و چرایی مخالفت حدیث با تاریخ حدیث و بیان نمونه هایی از روایات که با گزارش های تاریخی سازگاری ندارد و بیان تشخیص احادیث صحیح از سقیم روایات با سنجه تاریخ صحیح و همچنین تبیین گزارش تاریخی حدیث شناختی دوران زندگی ابوهریره که شامل: عصر پیامبر اکرم (ص) و روزگاره ابوبکر و عمر و روزگار عثمان و علی (ع) و معاویه و همچنین دوران امویان تا وفات ابوهریره یعنی دوران حیات او مورد واکاوی تاریخی قرار گرفت و سپس در قسمت دیگر تبیین گزارش تاریخی حدیث شناختی بعد از وفات وی تا حاضر مورد کنکاش قرار دادیم و برای بررسی بیشتر و اثرات سوء جعل و وضع حدیث که ابوهریره یکی از افراد شاخص آن می باشد به سنت ستیز و سنت گریزی در عصر و مصر کنونی پرداخته و طیف های مختلف سیاسی عقیدتی ، اجتماعی بوجود آمده از این پیامد که شامل جریان های قرآنیون اهل حدیث و سلفیان تا منتقدان جریان حدیث مورد مذاقه قرار داده و

در پایان تأثیرگذاری ابوهریره در حوزه های مختلف فکری به ویژه در آثار و ادبیات جهت حسن ختام روایات از او به میان آمده است .

نکته پایانی نگارند مدعی نیست که تمامی زوایای تاریخی حدیث شناختی ابوهریره مورد بررسی و واکاوی دقیق قرار گرفته اما این نوشتار می تواند فتح البابی برای اندیشمندان و پژوهشگران طالب حق و حقیقت باشد تا انشاء در مسیر صراط مستقیم برای بازشناسی و حدیث پژوهی اسلام ناب محمد(ص) بوده باشد.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن ابی الحدید، عبدالحمید، ۱۳۷۵ق، شرح نهج البلاغه ، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم ، بیروت
۳. ابن حجر عسقلانی ؛احمد بن علی ، ۱۳۲۸ق، الاصابه فی تمیز الصحابه ،بیروت ، دار احیا اتراث
۴. التستری (شوشتری) محمد تقی (م ۱۳۴۰ق) الاخبار الدخیله ،قم، مؤسسه النشر الاسلامی
۵. ابن عبدالبر، احمد بن علی ، الاصابه فی تمیز الصحابه ، بیروت ، دارالاحیا، التراف العربی، ۱۳۲۸ق
۶. ابن خلدون ، محمد بن عبدالرحمن، مقدمه العبر، بیروت ، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا
۷. احمد بن حنبل ، مسند، الحجاج ۱۴۱۲ق، المسند، بیروت دار احیا ، التراث العربی
۸. ابن سعد ، محمد ، بی تا ، الطبقات کبری ،بیروت ، دار صادر
۹. ابن قتیبه ، دینوری ، ابو محمد عبدالله بن مسلم ، ۱۹۸۵م، مختلف الحدیث ، دار الکتب العلمیه بیروت، لبنان
۱۰. ابوریه ، محمود، ۱۴۱۴ق، ابوهریره شیخ المضیره ، ترجمه وحید گلپایگانی ، تهران، کتابفروشی محمدی
۱۱. ابوریه محمود، ۱۳۸۸ق، الاضواء علی السنه المحمديه او دفاع هن الحدیث ، قم ، ذو القری
۱۲. ابو نعیم اصفهانی، احمد بن عبدالله ، ۱۴۰۷، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیاء، بیروت دار الکتب العربی
۱۳. الادلبی ، لصلاح الدین بن احمد، ۱۴۰۳ه ، منهج نقد المتن عند العماء الحدیث نبوی ، بیروت ، دارالافلاق الجدیدة
۱۴. ابن صلاح ، عثمان بن عبد الرحمن، ۱۴۰۴ق، علوم الحدیث ، دمشق ، دارالفکر

۱۵. الطیری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ الامم و الرسل و الملوك، دارالکتاب العلمیه، بیروت
۱۶. ابوزهو، محمد، ۱۳۷۸ق، الحدیث و المحدثون او غایه الاله الاسلامیه بالسنة نبویه، مصر
۱۷. ابن کثیر؛ اسماعیل بن عمر، البدایه و النایه، ۱۴۰۸ق، بیروت، لبنان، داراحیاء التراث العربی
۱۸. الهیثمی، نورالدین، ۱۴۰۸ه، مجمع الزوائد، لبنان، دار الکتب العلمیه
۱۹. بخاری، محمد بن اسماعیل، ۱۴۰۱ق، الجامع الصحیح، بیروت دارالفر
۲۰. پاکتچی، احمد، ۱۳۸۷، «مدخل تفسیر» دائرة المعارف بزرگ اسلامی زیر نظر کاظم موسوی
بجنوردی، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۵
۲۱. جلال الدین محمد، بلخی (مولانا)، ۱۳۸۷ق، مثنوی، تهران، سپهر ادب
۲۲. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، ۱۴۰۶ق المستدرک علی الصحیحین، بیروت
۲۳. سباعی، مصطفی، ۱۴۰۵ق، السنة و مکانها فی التشريع الاسلامی، المکتب الاسلامی، بیروت
۲۴. شرف الدین، عبد الحسین عاملی، ۱۳۷۴ق، ابوهریره و احادیث ساختگی، ترجمه نجف قلی
میرزایی، قم، هدف
۲۵. سبحانی، جعفر، ۱۴۱۹ق، الحدیث النبوی بین الروایه و الدرايه، موسسه الامام صادق (ع)، قم
۲۶. خطیب بغدادی، احمد بن علی، ۱۴۱۷ق، تاریخ بغدادی، بیروت، دارالکتب العلمیه
۲۷. خطیب بغدادی، احمد بن علی، ۱۴۲۰ق، القرآن احوج الی السنة الی القرآن، بیروت، دارالکتب
العلمیه
۲۸. ذهبی، محمد بن احمد، ۱۴۱۷ق، میزان الاعتدال، بیروت، دارالفکر
۲۹. رفیعی محمدی، ناصر، ۱۳۸۳ش، درسنامه وضع حدیث، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی
۳۰. سیوطی، عبد الرحمان بن ابی بکر، بی تا، تاریخ الخلفاء، بیروت، دارالفکر
۳۱. سعدی، ابو محمد شرف الدین، شرح گلستان، دکتر محمد خزایی، تهران، امیرکبیر
۳۲. عجاج خطیب، محمد، ۱۴۰۱ق، السنة قبل التدوین، بیروت دارالفکر
۳۳. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳، بحار الانوار، بیروت، موسسه الوفا
۳۴. مسعودی، عبد الهادی، ۱۳۹۴، وضع و نقد حدیث، تهران، سمت
۳۵. مطهری، مرتضی، ۱۳۵۸، تاریخ تمدن، تهران صدرا
۳۶. معارف، مجید، ۱۳۷۴ش، پژوهشی در تاریخ عمومی حدیث با رویکرد تحلیلی، تهران، کویر

۱. اکبری دستک ، فیض الله ، ۱۳۹۹ ش ، احادیث ابوهریره در ترازوی نقد شرف الدین عاملی ، مطالعات تاریخی قرآن و حدیث سال بیست و هشتم ، شماره ۳۱۱، ۶۸-۲۸۹
۲. تجلیل جلیل ، عسگری ابراهیمی جویباری ، ۱۳۸۸ ، تأثیر پذیری سخنوران ادب فارسی از روایات ابوهریره
۳. روشن ضمیر ، محمد ابراهیم ، عبادی ، مهدی ، ۱۳۹۱ ، حجیت سنت از دیدگاه محمود ابوریه دو فصلنامه حدیث پژوهی سال چهارم ، شماره ۷
۴. سلطانی ، اختر ، مهریزی طرقی ، مهدی ، عباسی مهرداد ۱۳۹۴ ش ، بررسی مبانی فکری و آراء ابوریه ، در زمینه حدیث ، فصلنامه پژوهش های اقتصادی ، کلامی سال هفتم ، شماره ۲۷
۵. لطفی ، مهدی ، ۱۳۸۳ ، ردیه های ابوهریره ، آئینه پژوهش ، شماره ۸۹ و ۹۰